

## بنیاد ترانه‌های دامپانه

ترجمه حسینعلی ملاح



در گفتار نخستین راجع به چگونگی فراهم آمدن ترانه‌های مذهبی و شیوه مستفید گشتن این ترانه‌ها از تم‌های غیر مذهبی و بالعکس سخن گفتیم... در این مقال می‌خواهیم راجع به: مادریکال‌ها، میسترها<sup>۱</sup>، فارس‌ها<sup>۲</sup> و دوپل‌ها<sup>۳</sup> و چند جمله‌ای هم درباره ترانه‌های کاملاً غیر مذهبی که از این فرم‌ها استخراج می‌گردند به اجمال سخن بگوئیم.

۱ - Madrigale یا ماندریال ایتالیایی، یا ماندرا یک فورم غزل مورد علاقه کلاسیک‌های ایتالیایی در قرن چهاردهم بوده است این نوع اشعار در هنگام همراه شدن با موسیقی بفرم‌های دیگری مانند روندو و بالاد Ballade درمی‌آمدند... در دوران تجدید اقتضای زمان حکم کرد که مادریکالها برای چند صدا نوشته شوند... اما ابتدا چنان بود که خواننده‌ای نغمه اصلی را می‌سرود و ارکستر آوای وی را همراهی می‌کرد... بعدها، مادریکالها با چند صدای مختلف زن و مرد خوانده شد...

۲ - Mistères ۳ - Farces ۴ - Vaudevilles

## الف: ترانه‌های چند صدائی

در ابتدای قرن سیزدهم، نواهایی به شیوهٔ روندو<sup>۱</sup> و مادریگال شنیده می‌شد توسط معدودی از نواآمیزان برای چند صدا نوشته شده بود ...

در قرن چهاردهم که برخی از آهنگسازان جنبش متری و حرکت سریع و بلا مانع ترانه‌های ملی را بسوی آینده‌ای درخشان احساس کرده بودند به چند صدائی کردن ترانه‌هایی که بفرم مادریگال و روندو و غیره بودند پرداختند و این تعدادی از آنها برای سه یا چهار صدا نوشتند... کتابخانهٔ کنسرواتوار پاریس امتیاز و افتخار را دارد که صاحب مجموعهٔ گرانبهائی است موسوم به «هارمونیک موزیک اودکاتن»<sup>۲</sup> (۱۵۰۳ - ۱۵۰۱) که منسوب به نواساز مشهور و نیزی پتروچی<sup>۳</sup> می‌باشد ... این مجموعه شامل صد ترانه فرانسوی است که برای سه صدا یا چهار صدا نوشته شده است، ترانه‌های مشهوری که در این مجموعه می‌بینیم عبارتند از ترانهٔ «مرد مسلح» - پدرم مرا شوهر داد - روی بل آویسیون<sup>۴</sup> - و غیره ...

ترانهٔ «مرد مسلح»، با اینکه اثری است غیر مذهبی، ولی اغلب در هنگام دعا و نماز هم خوانده می‌شود ... می‌باید در نظر داشت که هم آهنگ شدن این ترانه‌ها توسط شخص واحدی صورت نگرفته است، بلکه نواسازان نامدار اعصار مختلف تحت تأثیر افکار و ذوق عمومی این نواها را بشیوهٔ آرمونی یا کترپوان بچند صدا نوشته‌اند. در معدودی از نواسازان هنگام هم آهنگ کردن این ترانه‌ها تصرفاتی در آنها بعمل آورده‌اند... و برخی، نغمهٔ اصلی ترانه را اساس کار خود قرار داده و با آزادی کامل به بسط آن پرداخته‌اند ... از همین روست که می‌بینیم ترانهٔ «مرد مسلح در یک مورد غیر مذهبی و در مورد دیگر کاملاً مذهبی است».

متأسفانه امروز، ما یک مجموعهٔ سالم و کامل از ترانه‌ها (بشیوهٔ مادریگال) در دست نداریم، زیرا صاحبان این آثار توجه و دقت کافی جهت حفظ و حراست نسخه‌های ذی‌قیمت خود ننکرده‌اند... فقط آثار دو نواساز نامدار قرن شانزدهم

۱ - Rondeau - ۲ Harmonice Musices Odhecaton

۳ - Petrucci - ۴ Sur le pont d'avignon

موسوم به: کلمان ژانه کن<sup>۱</sup> و رولاند دولا سوس<sup>۲</sup> اکنون در دسترس ماست که اغلب مادر یگالهای آن بشیوه کنتربوان چند صدایی شده است... این دو آهنگساز، خواست باطنی و شخصیت توانای خود را بخوبی در این آثار منعکس ساخته‌اند و میتوان گفت: ابتکار اینان در اینست که از استعمال الفاظ عامیانه اجتناب جسته‌اند و برای ترانه‌های عامیانه، اشعاری از شعرای مشهور زمان مانند: رنسار<sup>۳</sup> و مارو<sup>۴</sup> استفاده کرده‌اند.

از قرن هفدهم تا زمان انقلاب، فرم‌های دیگری از قبیل: منوئه<sup>۵</sup> و بوره<sup>۶</sup> بوجود آمد که خواستاران زیادی پیدا کرد.

باین طریق ذوق موسیقی قرون و اعصار گذشته بما رسید... و کرلن<sup>۷</sup> گوید: «دیری نپائید که ترانه‌ها انتشار یافت و همه جا، خوابگاه بانوان، سرسراها و دهلیزها و آشپزخانه‌ها و از آنجا بکوچه‌ها و بازارها نفوذ کرد...»

لیکن باید در نظر داشت که یک فرم دیگری از ترانه‌های عامیانه موجود بود که در مکانهای دیگری سوای اینها که به آن اشاره کردیم بروز و ظهور کرد... این ترانه‌ها ابتدا در صحنه تئاترها همراه با نمایشنامه‌های مختلف و سرانجام در نمایشنامه‌هایی که با تصنیف همراه است تجلی و تظاهر کردند.



**ب - نمایشنامه‌های مختلف و نمایش‌های همراه با تصنیف**

۱ - نمایشنامه‌های اعجاز - (که فرانسویان میراکل<sup>۸</sup> گویند) در پایان قرن یازدهم این نمایشنامه‌ها که به نظم بودند به نثر نوشته شدند و ترانه‌هایی مذهبی به آنها افزوده گشتند مانند: ترانه عید فصیح و ترانه معراج.

۲ - نمایشنامه‌های میستر<sup>۹</sup> - نخستین نمایشنامه میستر (در قرن دوازدهم) یک بخش مستقلی برای آواز داشت که همواره کلام آن لاتین و منظوم بود (و بندرت قطعات منثور در آن دیده می‌شد) ... بعدها که مقرر شد نمایشنامه‌ها را بزبان خلق بنویسند شیوه تحریر نمایشنامه‌های میستر نیز

- ۵ - Clément Janequin - ۶ - Roland de Lassus - ۱ - Ronsard  
 ۲ - Marot - ۳ - Menuet - ۴ - Bourrée - ۵ - Weckerlin  
 ۶ - Miracle - ۷ - Mistères

دگرگون گشت و در حدود سال ۱۵۵۰ جای خود را به دوسبک مضحك و سوتی<sup>۱</sup> واگذار کرد ...

۳ - نمایشنامه‌های مضحك (فارس<sup>۲</sup>) - فارس به نمایشنامه‌هایی اطلاق می‌شود که سراسر آن خنده‌آور و مضحك است و اغلب با ترانه‌هایی همراه است که اشعار آنها را مردم می‌شناسند و با آهنگ آنها نیز انس بسیار دارند.

۴ - نمایشنامه‌های تصنیفی (ودویل<sup>۳</sup>) - در اواخر قرن شانزدهم (۱۵۷۳) آدریان لوروا<sup>۴</sup> نخستین کتاب ترانه‌ها را که فرم و ودویل داشت و مشتمل بر چهار فصل بود منتشر ساخت... درباره لفظ و ودویل عقاید زیاد مختلفی ابراز شده است، برخی گویند: این لفظ مخفف Voix de Ville یعنی آوای شهر است... فرهنگ‌ها این لفظ را به معنای نمایشنامه‌هایی منظوم و کوتاه که ترانه‌هایی همراه دارند ثبت کرده‌اند... در سال ۱۵۷۹ لوشالونه کلود<sup>۵</sup> این لغت را در مفهوم «نغمات غیر شهری» استعمال کرده و معتقد است که: و ودویل به نواها و آوازهای کوهپایه و بیلاق گفته می‌شود... سرانجام این کلمه معنا و مفهوم سرودهای ملی و ترانه‌های عامیانه را بخود گرفت... (می‌باید توجه داشت که این کلمه با لفظ «Vaude Vire» که به ترانه‌های خاص می‌خوانان اطلاق می‌شود مشتبه نگردد).

ترانه‌های و ودویل در ۱۷۰۸ با آثار غیر محلی<sup>۶</sup> مخلوط و هم آهنگ شد و نام اپرا کمیک بخود گرفت (در اپرا کمیک خواندن ترانه‌ها و آثار غیر -

۱ - Sotie نوعی از نمایشنامه است که در قرون چهاردهم و پانزدهم متداول بوده است... از خصائص این نوع نمایشنامه اینست که: باید تمام کسان نمایش در نقش دیوانگان و ابلهان بازی کنند.

۲ - Farces

۳ - Vaudevilles - ۴ - Adrian le Roy - ۵ - Le Chalonnais Claude

۶ - Forain (فورن) که ما در اینجا به ترانه‌های غیر محلی (یا ترانه‌های بیگانه) معنا کرده‌ایم، تصنیف‌هایی است که توسط بازرگانان بیگانه (که برای فروش کالاهای خود به فرانسه می‌آمدند) خوانده می‌شد، بسیاری از این ترانه‌ها مورد توجه خلق قرار گرفت و نواسازان یا نمایشنامه نویس‌ها نیز در آثار خود از آنها استفاده کردند...

محللی و بیگانه مجاز بود) ... ولی در سال ۱۶۹۷، یعنی زمان اخراج ایتالیاییها که خواندن این ترانه‌ها ممنوع گردید، هنرپیشگان ناگزیر شدند در هفته بازارها (بازار مکاره) فقط آهنگ این ترانه‌ها را بنوازند... در مورد این ترانه‌ها که توسط نوازندگان دوره گرد و بیابانگرد و فروشندگان کالاهای بیگانه خوانده می شد اسناد معتبری در ده مجلد در اختیار داریم که شامل هزار و پانصد آهنگ است ... سازندگان این ترانه‌ها مطلقاً زحمت ابداع ترانه جدیدی را بخود نמידادند. اغلب افراد این گروه، ترانه‌های موسیقی دانهای مشهور را که در اپرا کمیک محبوبیتی می یافت اقتباس می کردند و بجای کلام آنها اشعاری مطابق میل خود می نهادند، و چون در آن زمان مانع قانونی وجود نداشت صاحبان اصلی ترانه‌ها نمی توانستند اعتراضی بنمایند ... در باره مضمون و مفهوم اشعار یا کلام این ترانه‌ها که اغلب در صحنه آخر نمایش‌های مضحک (فارس) نیز اجرا می شد و ترانه‌های ودویل را هم زینت می بخشید باید گفت: بی گمان برای گوش مردمان شریف و نجیب نامتناسب بود ... نخستین کسی که این رسم را شکست و ترانه‌ای ساخت که مضمون آن اندکی مؤدبانه و با نراکت بود، ژولی بن تی برسوا<sup>۱</sup> است که از مقدمه پانورژ<sup>۲</sup> رابله الهام گرفته است ... این ترانه کوچک بزودی بردهاها جاری شد و عنوان ترانه کوچک‌ها را پیدا کرد:

*Faut - te d'ar - gent c'est douleur non pa - reil - le*

*Si je le dis las Je sçay bien pour - quoi*

*Sans de qui - bus il s'en-faut te - nir coi*

*Fem - me qui doit pour ar - gent se ré veil - le*

۱ - Julien Tiersot - ۲ - رابله Rabelais نویسنده مشهور فرانسه

## «ترانه کوچه‌ها»

بی‌پولی درد بی‌درمونه

افسوس نداره، منگه میدونم :

آدم بی‌پول باید همیشه لال باشد

زنی که برای پول میخواهه زود هوشیار می‌شه<sup>۱</sup>

... منابع و مآخذی که ودویل از آنها الهام گرفته است عبارتند از :

ترانه‌های عامیانه - ترانه‌های ولایات - برخی از ترانه‌ها و نواهای مذهبی - بسیاری از ترانه‌های سیاسی - و گروهی از ترانه‌ها پرا و بویژه اپرا کمیک - و حتی نواهایی که هنگام شکار با شیپور مینواختند - و یا نغماتی که از شیپور مینواختند و یا نغماتی که از شیپورهای جنگی شنیده می‌شد - و سرانجام صدای زنگهای مختلف - و از همه بیشتر نواهای بایکوبی مانند : منوئه - گاوت - سارا باندا - موزت - و کتر دانس... اینها در حقیقت ترکیب‌کننده و سازنده ودویل می‌باشند ولی در این مورد که : آیا این نواها و ترانه‌هایی که امروز در اختیار داریم همان ترانه‌ها و نواهای عامیانه حقیقی می‌باشند، امری است که می‌باید موسیقی‌شناسان، پژوهش‌کنند و ابراز نظر نمایند... بی‌گمان این ترانه‌ها در طول قرون دستخوش تحریف‌ها و دگرگونی‌ها شده‌اند و یا بنامهای دیگری درآمده‌اند... یافتن چگونگی این دگرگونی‌ها و تغییرات ساده و یا احتمالاً

نمایشنامه‌ای کوتاه دارد که نقش نخستین آن را شخصی موسوم به Panurge ایفا می‌کند، این هنرپیشه دارای قامتی متوسط و بینی عقابی است و نسبت به بانوان خوش-تعارف و متعلق است... و تاجدودی هم عیاش و خوشگذران است و از همه مهمتر به بیماری «ضیق الریال» (این بیماری بی‌نظیر) نیز مبتلاست.

۱ - در این اثر هم، شیوه خاص ترانه‌های عامیانه همچنان بچشم می‌آید... صداها عموماً پیوسته است و فاصله نیش از سوم در آن دیده نمی‌شود... سادگی و کوتاهی قطعه کماکان رعایت شده است... جمله‌های موسیقی مقید به قواعد مبتدا و خبر یا جملات ناقص و کامل نیستند... سازنده اثر مکتون دل خود را برحامل موسیقی ریخته است... بی‌پولی... بی‌پولی، این همان عقده‌ای است که هنوز هم گشوده نشده و بوجه آشکاری دل انسانها را می‌آزارد و در هر جا که حکومت واقعی در دست پول است مصداق باهری دارد. ح. م.

بزرگ بامحققان و هنرشناسان است و در وظیفهٔ اینان است که ما را بسوی  
نعمات اصلی هدایت کنند و زائده‌هایی را که تحت شرایط زمان و فشارهای  
مختلف به ترانه‌ها افزوده شده‌اند معرفی نمایند ...

می‌پنداریم یافتن مصدر برخی از ترانه‌های موجود چندان هم دشوار  
نباشد و با اندک تعمق و تحقیق بنیاد این ترانه‌ها بدست آید ... مثلاً: در  
بارهٔ ترانهٔ دربر تو مهتاب<sup>۱</sup> اثر لولی باید گفت: تم اصلی آن از ترانهٔ عامیانهٔ  
«من یگانه فرزند پدر و مادرم هستم» اخذ شده و در این باره مطلقاً تردیدی  
نیست.

در شمارهٔ آینده: راجع به تکنیک ترانه‌های عامیانه سخن خواهیم گفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتبال جامع علوم انسانی